

ارسال متن تلگرامی و پیامک
فقط با ذکر نام: ۰۹۳۵۶۹۲۰۳۴۹

نازنینم، خوبم!

پنجم من پنجم تو را دیدولی
دیده نشد / من همانم که پسندیدو
پسندیده نشد!

پل شکسته

بگو دل را که گرد غم نگرود / ازیرا غم به خوردن
کم نگرود / دلا سر سخت کن، کم کن ملولی / ملول،
اسرار را محرم نگرود

محمد سلمان سیفی

در شگفتم از آنکس که پیدایش دوباره را انکار
می کند، در حالیکه پیدایش آغازین را می نگرود

کیوان حیدر پور

برای من که دلم چون غروب پاییز است / صدای
گرم تو از دور هم دل انگیز است

منور - خواف

انسانهای خوب چهار نشانه متفاوت دارند: روی
گشاده / زبان نرم / دل مهربان و قلب بخشنده ...

مصطفی باقر پسندی

به دنیا دل نبندد، هر که مرد است / که دنیا سر به سر
انده و درد است / به قبرستان گذر کن تا ببینی / که
دنیا با رقیقت چه کرده است

باقرزاده - قائمشهر

مرداب زندگی همه را غرق کرده است / ای عشق
همتی کن و دست مرا بگیر / ای مرگ می رسی به
من، اما چقدر زود / ای عشق می رسم به تو، اما چقدر
دیر / شیرینی فراق کم از شور وصل نیست / گر
عشق مقصد است، خوشا لذت مسیر / چشم انتظار
حادثه‌ای ناگهان مباحث / با مرگ زندگی کن و با
زندگی بمیر

ممل سعدی

از او پرسیدم: به خاطر چه زنده ای؟ گفت: هیچ، از
من پرسید تو چی، گفتم: به خاطر آنکس که برای
هیچ زنده است

رسول بیگی

عارفی را پرسیدند، دوست را چون دوستش داری،
نیازش داری؟ یا که چون نیازش داری، دوستش
داری؟! گفت: چون دارمش بی نیازم!

شهرام قلی پور

بر نارد شاو: حکومت طلایی در جایی وجود دارد که
تتوان قوانین را با پول خرید

فرامرزی - بندرعباس

وحشی بافقی: بعد از این ما و سر کوی دل آرای
دگر / با غزالی به غزلخوانی و غوغای دگر / تو
مپندار که مهر از دل محزون نرود / آتش عشق به
جان افتد و بیرون نرود!

انتظار

بی تو از پس دلم بر نمی یام / تو که میگی پیش قنبر
نمیام / یه روزی "من و دل" از دلت می ریم / دیگه
اون وقت از گورم در نمی یام

قنبر یوسفی

گفتی که چو خورشید ز من سوی تو پر / چون ماه
شبی می کشم از پنجره سر / افسوس که خورشید
شدی تنگ غروب / اندوه که مهتاب شدی وقت
سحر

مسعود گندمکار

هر از گاهی خودت را هرس کن... شاخه های
اضافات را بچین... پای تمام شاخه بریده هایت
بایست... باغبانی کن خودت را... خاطرات بدت
را... سبک کن فکرت را، ریاضی دان باش، حساب و
کتاب کن، خوبیهای زندگی ات را جمع کن، آدمهای
بد زندگی ات را کم کن، همه چیز خوب می شود...
خوب، قول می دهم

مریم

آگهی های تر حیم روزنامه را که خواندم، با خودم
گفتم: چرا اینقدر دکتر، مهندس و مدیر شرکت
فوت می کنند؟! اما وقتی از قیمت چاپ آگهی
تر حیم در روزنامه مطلع شدم، فهمیدم، فقرا
بی صدا می میرند...

عبدالامیر اسدالله زاده

پشت پر چین نم نمک می بارید / مهر بابا سجده
را می بوسید / مادرم پنجره را وا می کرد / تا دلش
غربت این فاصله را حس نکند!

عباس عابد



در خاطر م روانه شد و شب بخیر گفت
گفتم که در نبود تو شبها بخیر نیست...

نوشین رؤف

ما فکر کردیم چقدر اقیانوس هستیم

محصول اتفاق

گاهی فکر می کنم وقتی یک کودک در سوئیس
سراغ یخچال می رود تا شکلات صبحانه اش
را بردارد، کودک در یک قبیله آفریقایی با این
ترس بیدار می شود که نکند امروز به وسیله
مردان قبیله دیگر کشته شود.

اگر در جامائیکا بودیم غذاهای تند می خوردیم،
می رقصیدیم اما اگر کسی می گفت میای بریم
شمال جوج بزیم نمی فهمیدیم چه می گوید!
اگر در دانمارک به دنیا می آمدیم اسطوره
هایمان و ایکینگها بودند و به جای استاد
شجریان از یورن اینگمن لذت می بردیم.

وقتی همه چیز تا این اندازه می تواند در عین
سادگی، این همه پیچیده و خارج از کنترل ما
باشد، یقه دریدن و خود را مرکز کره زمین
فرض کردن چقدر واقعیت دارد؟

حال شما چطور است، فرزندان جغرافیا...؟
سعی کن کسی که تو را می بیند، آرزو کند
مثل تو باشد...

از اعتقادات سخن نگو، بگذار از نوری که بر
چهره داری، آن را احساس کند.

از عقیده برایش نگو، بگذار با پابندی تو آن
را بپذیرد.

از عبادت برایش نگو، بگذار آن را جلوی
چشمش ببیند.

از اخلاق برایش نگو، بگذار آن را از طریق
مشاهده تو بپذیرد.

واز تعهد برایش نگو، بگذار مردم با اعمال تو
خوب بودن را بشناسند.

نیلوفر گردان

ناب‌هایی متفاوت

حامد طاهری - بافی: شادی راه‌دیه کن
حتی به کسانی که آن را از تو گرفتند عشق
بورز به آنهاهی که دلت را شکستند / دعا کن
برای آنهاهی که نفرینت کردند / و بخند که
خدا هنوز آن بالا با توست

آینرب - آستارا: دوست بدار آنهاهی را که
در زندگی ات نقش داشته‌اند...

نه آنهاهی که برایت نقش بازی کرده‌اند

کیوان - اصفهانی: چقدر زیباست وقتی
احمق‌هایی فهمند، اما این فقط یک آرزوست،
چون اجازه ندارند!

طاهره بیگدلی - بیجار: شاید درد را از هر
طرف که بخوانی درد داشته باشد. اما درمان
که نباشد نامرد می‌شوی!